

علی اصغر حکمت

استاد ممتاز دانشگاه

یادداشت‌هایی از عصر پهلوی

شماره ۲۸

دانشگاه تهران چگونه بوجود آمد؟



مقدمه

باغ جلالیه

در شمال غربی شهر تهران در ۱۳۱۲ هجری شمسی ششزاره بود که از جنوب به خندق (شهر تهران) و از شمال به تپه‌های قریه امیرآباد تا فرحزاد منتهی می‌شد در این دشت تنها آبادی که به چشم می‌خورد باغ بسیار وسیعی بود که عمارت مختصری در جنوب آن در دو طبقه ساخته و به درختهای کهنسال کاج احاطه می‌شد و در تمام آن باغ اشجار میوه بسیار کاشته بودند. قریب به ۱۰۰ سال پیش در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در حدود ۱۳۰۰ هجری قمری شاهزاده جلال‌الدوله فرزند ارشد سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان آن باغ را احداث کرده بود و از این جهت به «جلالیه» موسوم شد.

این سرزمین مبارک مقدور بود که در اوایل قرن چهاردهم در عصر همایون سلسله پهلوی آبادترین و زیباترین محلات پایتخت بلکه ایران بشود - در همین منطقه بود که نهر بزرگی احداث شده و ۵۰ سنگ آب از رودخانه کرج به تهران آوردند و مخرج آن اینک به صورت «بلوار الیزابت دوم» درآمد است. و در شمال آن سابقاً «میدان معروف» جلالیه برای رژه

سوم اسفند برگزیده شد و اینک پارک دل‌آویزی بنام « فرح » در آنجا ایجاد شده است . و بالاخره در همین سرزمین مبارک بود که دانشگاه تهران آفتاب وجود مسعود خود را در افق علم و دانش درخشان کرد .

شبیهی که دانشگاه متولد شد

در یکی از شبهای فرخنده اواخر بهمن ۱۳۱۲ جلسه هیئت وزراء در حضور شاه در عمارتی که اکنون مقر کاخ ملکه پهلوی است تشکیل شده بود سخن از آبادی تهران و عظمت ابنیه و عمارت و قصورزیبای جدید در میان آمد - مرحوم فروغی رئیس الوزرا در این باب به شاهنشاه تبریک می‌گفت .

و دیگر وزیران نیز هر یک به تحسین و تمجید زبان گشوده بودند . چون نوبت به بنده نگارنده رسید که به سمت کفیل وزارت معارف در آن میان حاضر بودم گویا خداوند متعال به قلب من الهام کرد که عرض کردم در آبادی و عظمت یا بخت البته شکی نیست ولی نقصی که دارد اینست که این شهر هنوز عمارت مخصوص او نیورسیده (دانشگاه) ندارد و حیث است که این شهر نوین از همه بلاد بزرگ عالم از این حیث عقب باشد . شاه بعد از آنکه تأملی گفتند : « بسیار خوب آنرا بسازید . »

در جلسه بعد هیئت وزراء در آغاز به وزیر عدلیه مرحوم علی‌اکبر داور رونموده فرمودند در بودجه سال بعد ۲۵۰۰۰۰ تومان به وزارت معارف اعتبار بدهید که به مصرف ساختمان مدرسه برسانند .

چند روز بعد که بودجه سال نو تدوین و تنظیم شد و به تصویب رسید ، وزیر مالیه اضافه بر اعتبار مقرر هر ساله مبلغ مزبور را جهت ساختمان مدارس در فصل مخصوص گنج‌انیده و قبل از نوروز به تصویب رسید و به وزارت معارف هم ابلاغ شد و من مأمور و مکلف شدم که ساختمان دانشگاه را آغاز نمایم .

انتخاب زمین

در فروردین ماه ۱۳۱۳ پیشتر اوقات در صدد پیدا کردن زمینی برای پی‌ریزی و آغاز عمارت دانشگاه بودم در گوشه و کنار به تجسس و تحقیق مشغول شدم بالاخره باغ جلالیه را اذهر جهت مناسب بدم از جمله زمینهایی که عرضه شد در بهجت آباد بود که آن وقت در اطراف باغ معروف آن عمارات و خانه‌هایی بود مهندس وزارت معارف موسیو آندره گدار آنرا نپسندید و کمی عرصه و قلت و سمیت آنرا خاطر نشان ساخت .

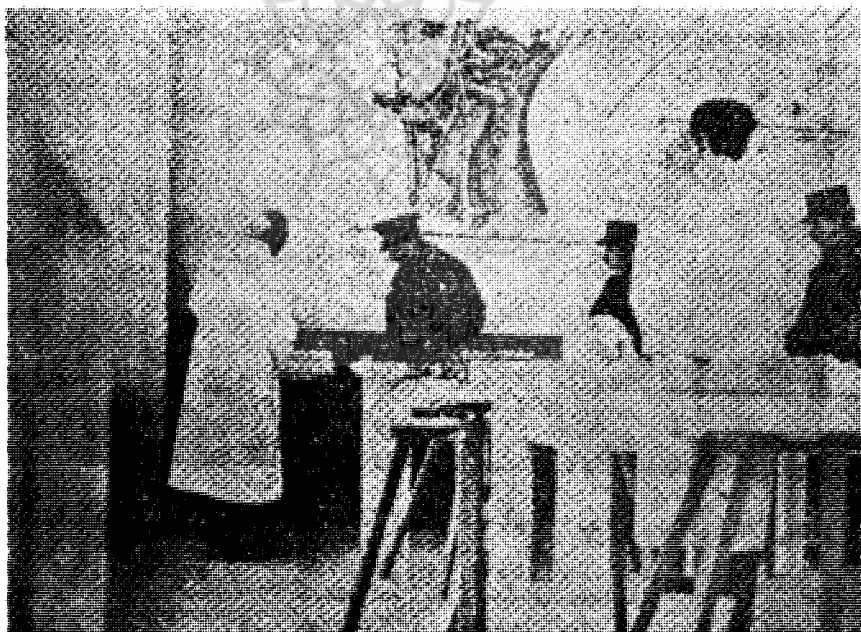
مالکین ادضی بهجت آباد که از این جانب مأیوس شدند در نزد وزیر مالیه کوشش کرده و خاطر آن مرحوم را بر ترجیح زمین خود جلب کردند یکی از شبهای فروردین ماه همان سال که پیشنهاد جلالیه و بهجت آباد مطرح شد مرحوم داور رجحان بهجت آباد را قویاً پشتیبانی میکرد و بالاخره اخذ رأی به عمل آمد و معلوم شد ایشان اکثریت داشتند و من بسیار دلشکسته و نومید گشتم در این اثنا شاه به جلسه وزرا ورود فرمودند پس از آنکه کی به رسم معمول از مرحوم فروغی نخست وزیر سؤال کردند چه می‌کردید .

مرحوم فروغی عرض کرده صحبت انتخاب زمین برای دانشگاه بود دومحل پیشنهاد شده یکی بهجت آباد و دیگری جلالیه « شاه بعد از اندک تأملی فرمودند « باغ جلالیه را انتخاب کنید . بهجت آباد ابداً شایسته نیست من همه این نواحی را با اسب گردش کرده و دیده ام » مطلب تمام شد و من مشغول بکارشدم .

باغ جلالیه افزون از ۲۰۰۰۰ متر مربع بود که از مالک آن تاجری بنام حاج رحیم آقا اتحادیه تبریزی خریداری شد و توافق حاصل شد که متری ۵ ریال حساب نماید از این مبلغ وزیر مالیه متری ده شاهی آنرا کم کرد . در موقع امضاء قباله به نمایندگی وزارت معارف دستور داده شده بود که در قباله قنات مخصوص جلالیه نیز باید قید شود و الا قباله را امضاء ننماید . بناچار مالک قبول کرد و مبلغی در حدود ۱۰۰۰۰۰ تومان که به پول امروز شاید ۲۰ میلیون تومان ارزش دارد دریافت کرد . قباله امضاء و زمین تحویل وزارت معارف گردید . موسیو گدار به طرح نقشه آن مشغول شد . اول چیزی که بعمل آمد نرده اطراف آن باغ و اراضی آن بود . که هنوز آن سر در فلزی زیبا بر قرار است و امید است که تا ابد بر قرار باشد .

تالار تشریح - اولین ساختمان دانشگاه

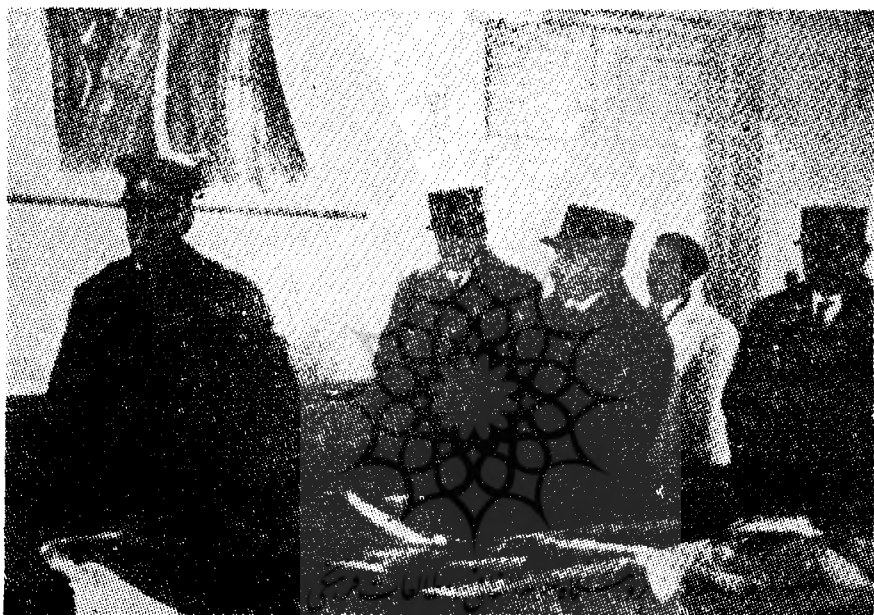
فن تشریح که از ارکان مهم علم طب است، تا آن تاریخ به صورت تئوری تدریس میشد . لزوم تعلیم عملی آن بدون وجود محل مخصوص که بتوان اجساد اموات را عملات تجزیه



اعلیحضرت شاهنشاه رضا شاه کبیر در هنگام بازدید تالار تشریح عصر ۱۵ بهمن ۱۳۱۳

نمایند ممکن نبود احساسات عامه و خرافات و احترام اجساد اموات مانع از اجرای ابن سبک عملی تعلیم تشریح بود .

بنابراین در نظر گرفته شد که ساختمان دانشگاه از دانشکده پزشکی شروع شود و از آنهم شعبه تشریح عملی و تالار تشریح *Salle de Dessection* آغاز گردد .
در اوایل اردیبهشت این ساختمان آغاز گردید و با کمال جدیت تعقیب میشد نقشه محل نگهداری اجساد و سالنهای تشریح در دو طبقه و آتمی تأثر مخصوص تعلیمات نظری به مرحله اجرا گذارده شد و تا اواخر دی ماه ۱۳۱۳ خاتمه پذیرفت وقتی که گزارش اتمام بنا به عرض پیشگاه شاهنشاه رسید از سرعت اتمام آن بنا ابراز تعجب کردند و قرار شد که يك روز مخصوص به زمین دانشگاه تشریف آورده و تالار تشریح را معاینه فرمایند .



اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه کمبیز در موقع بازدید عمارت نو بن تالار تشریح عصر ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ دکتر امیراعلم رئیس کرسی تشریح بود و دکتر ابوالقاسم بختیار جراح و معاون دانشکده طب و دکتر بلر آمریکائی جراح بیمارستان آمریکائی تهران سعی بلیغ و کوشش فراوان در این راه به خرج دادند حتی برای اولین بار اجساد اموات بلاصاحب را مخفیانه دکتر بختیار از مریضخانه های دولتی تحویل گرفته و در اتومبیل شخصی خود به تالار تشریح می آورد و در سالن زیرزمین در محوطه های مخصوص محلول ضد عفونی قرار میگرفت .

۱۵ بهمن ۱۳۱۳
برای گشایش تالار تشریح به نظر رسید که يك لوحه تاریخی از طلای خالص تهیه

در زیر بنای دانشگاه نصب شود و روز دوشنبه چهاردهم بهمن در محلی که مرکز دانشگاه خواهد بود در زمین ودیه گذاشته شود این پیشنهاد بمرض رسید شاهنشاه تصویب فرمودند ولی روز سیزدهم بهمن با تلفن به اینجانب ابلاغ شد لوحه طلا را تغییر داده و از فلز تهیه نمایند زیر ادفن کردن مبلغی طلا در زیر خاک برخلاف اقتصاد است این امر مبارک به فاصله ۲۴ ساعت انجام شد .

روز چهاردهم بهمن باران شدیدی در تهران شروع شد که تا نیمه شب اتصالاً میبارید عصر آنروز اینجانب از فرط نگرانی که جهت انجام تشریفات و پذیرایی از موكب شاهانه داشتم به آقای ادیب السلطنه سمیعی رئیس تشریفات دربار با تلفن استعلام کردم که این باران سیل آسا اگر ادامه یابد آیا موكب همایونی فردا تشریف فرمای محوطه خواهند شد یا نه؟

به فاصله ۱۰ دقیقه جواب رسید که فرمودند اگر سنگ هم از آسمان بیارد خواه آمد البته تکلیف معلوم بود توکل بخدا کرده آماده پذیرایی شدم .

صبح دوشنبه از بخت بلند و طالع میمون شاهنشاه هوا صاف و آفتاب درخشان طالع و باد شدیدی میوزید که به فاصله ۲ ساعت اراضی جلالیه را که پراز گل ولای بو دخشک نمود در آن محوطه در زیر پله های جنوبی که اکنون محل قسمت مرکزی دانشکده پزشکی است چادر بوش نصب و برای پذیرایی مفصل شاهانه آماده گردید و بر حسب دعوتی که از طرف وزارت معارف بعمل آمده بود هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای ملی و صاحب منصبان ارشد و عده کثیری از اعیان و رجال در ساعت ۳ بعد از ظهر در محل حضور یافتند .

موكب شاهانه نخست به تالار تشریح تشریف فرما شده و ساختمان آن را بدقت بازدید فرمودند نگارنده توضیحات لازم را به عرض می رساند در زیر زمین محل انبار اجساد که مخصوص نگهداری کالبد اموات برای تشریح بود آماده شده بود که در آنجا اموات را ضد عفونی کرده و در حوضچه های فلزی فرو برده و بواسطه کوره های طبی فضولات اجساد را معدوم و پس از فرو بردن در حوضچه مملو از محلول ضد عفونی و تزریق مواد طبی برای عمل آماده میشد در همین قسمت لوله های متعدد آب سرد و گرم کشیده شده و آب به طبقات فوقانی امتداد یافته و تقسیم می شد .

شاهنشاه در این زیر زمین نیز تشریف آورده و وقتی که حوضچه های فلزی را ملاحظه فرمودند سؤال کردند آیا اجساد اموات اکنون موجود است ؟ نگارنده عرض کرد که آری فرمودند سربکی از آنها را باز کنید بنده آنرا گشوده و ایشان جسد را مشاهده کردند . اعلیحضرت شاهنشاه پس از بازدید قسمتهای مختلف تالار تشریح نقشه تفصیلی ساختمان دانشگاه را که محل هر يك از دانشکده ها بود نشان میداد و در اتاق دفتر تالار گسترده شده بود مورد توجه قرار داده و کفیل وزارت معارف بمرض رسانید که مطابق این نقشه تالار تشریح جزء کوچکی از دانشکده طب است و آن دانشکده خود قسمتی از دانشگاه میباشد که انشاء الله روزی برسد که تمام دانشگاه با فروع و شعب و منظمات تماماً ساخته شود .

پس از ملاحظه و سرکشی از تالار تشریح شاهنشاه به محوطه دانشگاه در جلوی چادر پوش تشریف بردند دورنمای وسیع باغ جلالیه که جایگاه آینده دانشگاه بود در مد نظر گسترده و در زیر تابش آفتاب و هوای فرح انگیز جلوه و جذبه خاصی داشت مدعوین همه در جلوی چادر صف کشیده و منتظر مقدم همایونی بودند .

و در آنجا بود که حفره مخصوصی برای نصب لوله تاریخی حفر شده بود و محفظه سنگی منتظر آن لوحه بود کفیل معارف لایحه‌ای مبنی بر سپاسگزاری و کسب اجازه قرائت کرد و سپس با کمال ادب و احترام لوحه فلزی را که بر روی آن خط نستعلیق زیبا عبارت ذیل نقر و کنده شده بود تقدیم نمود. آهسته سوال فرمودند از فلز است یا طلا؟ عرض کردم که از برنز تهیه شده عبارت منقور که بفارسی ناب انشاء شده بود این است :



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات
 رتال جامع علوم انسانی

تصویر شاهنشاه هنگامیکه لوح یادگار تاریخی دانشگاه را در حفره قرار داد. ۱۴۰۵: ۱۴۰۶ هجری قمری ۱۳۱۳
 « هنگام شاهنشاهی پادشاه ایران رضا شاه پهلوی سر دودمان پهلوی ساختمان دانشگاه تهران به فرمان او آغاز و این نوشته که به یادگار در دل سنگ جا گرفته به زمین سپرده شد . بهمن ماه ۱۳۱۳ خورشیدی »

آنگاه فرمودند « ایجاد دانشگاه کاری است که ملت ایران بایستی که خیلی قبل از این شروع کرده باشد حال که شروع شده باید جدیت نمود که زودتر انجام گیرد »
 در میان حضار مرحوم مهدی قلی هدایت (حاجی مخبر السلطنه) رئیس الوزراء سابق ایران که از لحاظ سن و قد و متعین خدمت مرتبه ارشدیت داشت مرتجلا عرض کرد « ذات مقدس شاهانه چند سال قبل کلنگی به زمین زدند که اوضاع جسمی مردم این کشور را اصلاح میکرد (اشاره او به کلنگی بود که اعلیحضرت شاه در ۱۳۰۷ برای ایجاد راه آهن در محل ایستگاه کنونی به زمین زدند) امروز نیز بنائی را شروع میفرمائید که روح را پرورش میدهد. الحمدلله که مردم و چنین روزگاری را دیدم .
 بعد از آن تلگراف ذیل که از طرف موسیو شارلوتی رئیس دانشگاه پاریس مخابره شده بود قرائت شد :

جناب . . . وزیر معارف ایران .

امروز که در ظل عنایت اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شالوده دانشگاه تهران گذارده می شود ، دانشگاههای فرانسه تبریکات صمیمانه خود را از این عمل عظیم تقدیم میدارد و ترقی و پیشرفت علمی آن دانشگاه را مسألت میدارد . شارلوتی .



اعلیحضرت شاهنشاه فقید هنگام بازدید محل دانشگاه تهران جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ کفیل معارف توضیحات عرض میکند
 پس آنگاه ذات مبارک شاهانه در داخل حفره لوحه را در محفظه سنگ مرمر قرار دادند و بلافاصله مهندس مسئول با روغن پارافین جوشان تمام آن محوطه اطراف لوحه را پر کرد و شاهنشاه نسبت به کفیل معارف ابراز رحمت فرموده و جمعیت را ترک کرده و به طرف ساختمان جایگاه مخصوصی که در شمال دانشگاه برای میدان رژه نظامی ساخته شده بود تشریف بردند .